

بنام خداوند جان و خرد

ملت ایران هوشیارانه پیام رسای «نه» بزرگ خود را اعلام داشت همه جناحهای حاکمیت باید بدانند که جز انجام همه پرسی برای دگرگونی اساسی در راستای استقرار حاکمیت ملی و ساختار جمهوری کامل، و نفی نظارت استصوابی، راهی دیگر برای برون شد از بحران وجود ندارد.

از دیر باز در جهان متمدن رسم بر این بوده که در پایان سال سازمانهای مختلف دولتی، بویژه مقامهای بلند پایه مانند رئیس جمهور یا نخست وزیر، وظیفه خود بدانند که گزارشی جامع از عملکرد خود به ملت بدهند، از نارسایی ها را برشمارند و از ناتوانی های خود پوزش خواهی کنند. آنها موفقیت هایشان را نیز برمی شمارند ولی آنرا حاصل یاری و همکاری مردم اعلام می کنند، و خواستار پشتیبانی بی دریغ مردم می شوند، باشد که بتوانند بر ناکامیها چیره گردند و بهزیستی و شادمانی و نشاط را برای همه فراهم سازند. دولتهایی که با چنین بینشی در هر جای جهان به استقبال سال نو می روند، دولتهایی هستند که خود را برگزیده ملت و خدمتگزار آن می دانند، نه ارباب و سرور مردم. دولتهایی که جرات می کنند در برابر کمبودها و مشکلات جامعه به کاستی های خود اعتراف کنند و نقدها و اعتراضات مردم و سازمانهای سیاسی را راهگشا بدانند و آمادگی خود را برای انجام تغییرات لازم اعلام دارند. اینها دولتهایی هستند که به اصل احترام به خواست و نظر و رای مردم معتقدند، در برابر افکار عمومی خود را پاسخگو می دانند و اعتبار و بقای خود را در گرو اعتماد ملت می دانند.

در برابر، حکومتهایی که نقد و اعتراض جامعه و سازمانهای سیاسی، صاحبان اندیشه، روزنامه ها و نمایندگان مردم را بر نمی تابند و هر گفته و نوشته مخالف را با انگ و ابستگی به بیگانه، منکر خدا و دین، قیام بر ضد حکومت و برانداز و ... محکوم می کنند، حکومتهایی هستند که گرچه نسبت به یک ساختار بظاهر مردمسالاری و حکومت جمهوری تمکین می کنند، ولی در اساس نه به رای واقعی و بی واسطه ملت معتقدند و نه آنکه خود را به کسی پاسخگو می دانند. آنها بر پایه قانونهایی که برای حفظ منافع خودشان بر جامعه تحمیل کرده اند، بی آنکه توجهی به خواسته های صاحبان اصلی کشور داشته باشند، هر چه می خواهند انجام می دهند و با حاکم ساختن جو خفقان و وحشت بر جامعه به چیزی جز تثبیت قدرت نمی اندیشند. این حکومتها حتی حاضر نیستند تا نشانه های روشن نارضایتی و اخطار ملت را نسبت به عملکرد خود درک کنند و حتی برای نجات خودشان به فکر چاره باشند.

بر قدرت نشستگان ایران آن چنان غرق در تکبر و خود بزرگی بینی هستند که معنای حرکت قاطعانه اکثریت عظیم ملت را در انتخابات شوراها، که

بزرگترین "نه" ربع قرن اخیر مردم این سرزمین به ساختار موجود به شمار می رود، را در نیافتند و، خوش خیالانه، چه انحصار طلبان و چه طرفداران اصلاحات، آنرا آنطور که خود می خواهند تفسیر می کنند و بر اساس آن پندارها سرگرم کار خویش اند. هیچ یک از دو جناح بر آن نیستند تا با توجه به بحران توفنده ای که می توانند به زودی همه چیز را در منطقه درهم بکوبند، بخود آیند و با پیام رسایی که از سوی ملت دریافت کرده اند، در صدد ایجاد تغییرات بنیادین بر آیند. اصلاح طلبان نتیجه انتخابات را چنان تفسیر می کنند که گویی این رویداد در کشوری چون فرانسه، آلمان یا سوئد روی داده است. آنها هنوز جرأت، یا فهم، آنرا ندارند که در پیشگاه ملت اعتراف کنند که پاسخ ناتوانی خود و از دست دادن فرصت ها را دریافت کرده اند. حساب ملت با گروه انحصار طلبان از سالها پیش روشن شده بود. آنان به خوبی می دانند که با وجود در دست داشتن همه اهرمهای قدرت، در عمل قادر نخواهند بود بیش از درصد ناچیزی از رای جامعه را به دست آورند. به همین دلیل است که، تا حد فلج ساختن کشور، حاضر نیستند اهرمهای قدرت

بقیه در صفحه ۲

فهرست مطالب

- ۱ ملت ایران هوشیارانه پیام رسای «نه» بزرگ خود را اعلام داشت
- ۲ آیین گرامیداشت یاد پیشوای نهضت ملی ایران در ۱۴ اسفند
- ۳ سخنان عباس امیر انتظام در نشست پایداری افشاری
- ۴ نظام مالیاتی کشور باید بر هدفهای ملی منطبق شود
- ۵ تحلیل چگونگی حضور مردم در انتخابات شوراها پیش از برگزاری در مصاحبه با ایرنا
- ۵ خروج دفتر تحکیم وحدت از جبهه دوم خرداد
- ۵ اشاره ای بسیار نزدیک!
- ۶ آیین سومین سالگرد درگذشت شادروان علی اردلان
- ۷ اخبار و نکته ها
- ۸ شیوه انتخاب صنعت و ضرورت توجه به تقسیم کار بین المللی
- ۸ طیبیان سیاست
- ۸ لویی ژواته: فلسفه ی وجودی دادگاه روحانیت روشن نیست

سال نوین را به همه آنان که دلشان به عشق ایران می تپد شادباش می گویم

بزرگداشت ۱۴ و ۲۹ اسفند ماه در دانشگاه های کشور با حضور چهره ها و فعالان جبهه ملی ایران

بزرگداشت نهضت ملی ایران و تلاش های دکتر محمد مصدق برای ملی شدن نفت و مبارزه او برای استقلال ایران و استقرار حاکمیت ملی در چارچوب آزادی و مردم سالاری، امسال در دانشگاه های کشور بازنمایی گسترده داشت. دانشگاه علامه طباطبائی ضمن برگزاری نمایشگاهی به این مناسبت نشستهایی برای سخنرانی و پرسش و پاسخ دانشجویی با عنوان "مصدق بنیان گذار دموکراسی ایرانی" ترتیب داد. آقای حسین شاه حسینی نایب رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران در طی دو سخنرانی، در یازدهم و سیزدهم اسفند ماه، به تبیین پایبندی مصدق به ملی گرایی، آزادی خواهی، شایسته سالاری، قانون گرایی و اولویت منافع ملی بر هر چیز دیگر پرداخت. آقای دکتر داوود هرمیداس باوند عضو هیات رهبری جبهه ملی ایران نیز در سخنرانی که نوزدهم اسفند ماه در همین دانشگاه ایراد داشت، ملی شدن نفت و تاثیر آن بر تحولات منطقه را بررسی کرد. وی با بیان شرایط بین المللی به خرد گرایی سیاست مصدق در استفاده از این شرایط پرداخت. میزگردی هم که بنا بود با حضور آقایان دکتر افشین جعفرزاده و دکتر محمود کاشانی در دوازدهم اسفند ماه برگزار گردد، به علت مخالفت و امتناع آقای دکتر محمود کاشانی، تشکیل نشد.

آقای حسین مجتهدی نیز طی دو سخنرانی در سیزدهم و نوزدهم اسفند ماه، نقش دکتر محمد مصدق را در نوزایی غرور ملی بررسی کرد و به تحلیل جریان های سیاسی مختلف در برهه نهضت ملی ایران و پس از آن پرداخت.

میهمان مراسم دیگری که در دانشگاه صنعتی اصفهان به مناسبت بزرگداشت ملی شدن نفت برگزار شد، دکتر پرویز ورجاوند عضو هیات رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران بود، که با اشاره به تاریخ تمدن ایران زمین، به بازخوانی نهضت ملی ایران در ابعاد مختلف سیاست خارجی، استقلال و تمامیت ارضی، اقتصادی، قضایی و سیاست داخلی پرداخت. مراسم دیگری نیز در دانشگاه تربیت معلم کرج در ۸/۱۲/۸۷ با حضور آقای حسین شاه حسینی برای بزرگداشت نهضت ملی ایران برگزار گردید که در آن ایشان پیرامون عملکرد اقتصادی حکومت ملی دکتر مصدق سخنرانی کردند.

آقای دکتر هرمیداس باوند هم در دانشگاه مازندران در بابلسر حضور یافت و با سخنرانی خود به تبیین زوایای مختلف ملی شدن صنعت نفت از دیدگاه روابط بین المللی پرداخت. تحلیلی بر رویداد نهضت ملی شدن نفت و نقش رهبری دکتر مصدق، عنوان سخنرانی آقای دکتر پرویز ورجاوند در دانشگاه شهید رجایی لویزان به تاریخ ۸/۱۲/۸۷ بود. سخنران دیگری که قرار بود به همین مناسبت در دانشگاه هنر ایراد نماید به خواست مستقیم مسئول نهاد رهبری در دانشگاه منتفی گردید. اما شرکت ایشان در میزگرد بررسی تحولات منطقه و بحران عراق در دانشگاه صنعتی شریف با حضور و استقبال گسترده دانشجویان مواجه گشت که بیش از چهار ساعت به طول انجامید و دانشجویان با ایشان و آقای دکتر مرادیسی، میهمان دیگر این میزگرد به پرسش و پاسخ پرداختند.

مشروح برخی سخنرانی ها در شماره های آتی پیام جبهه ملی خواهد آمد.

خردگرایانه عمل کنیم. نگاهی به نتایج انتخابات شوراها در برخی مناطق حساس کشور حکایت از تقویت پدیده خطرناک قوم گرایی می دهد که گذشته از نتیجه عملکرد بسیار بد حاکمیت در طی سالهای پس از انقلاب و بستر سازی برای اینگونه جریانها، که به دلایل فراوان قدرتهای جهانی نیز آن را تقویت می کنند، پدیده ایست که می تواند برای استقلال و یکپارچگی کشور به شدت فاجعه آمیز باشد.

جبهه ملی ایران چون همه سالهای فعالیت گذشته خود، بار دیگر در آستانه سال نو با هشدار دادن به تمامی جناحهای حاکمیت از یکسو و سازمانها و گروههای ملی خارج از حاکمیت که حساسیت اوضاع را باور دارند و در روند کنونی برخی بازی گردانی ها را چاره ساز نمی دانند از سوی دیگر، یادآوری می شود که باید واقع بینانه با ابعاد گوناگون خطرهایی که همه چیز را تهدید می کند برخورد کنیم. باید شرایطی پدید آورد تا مردم با تمام وجود حرکت بسوی یک دگرگونی اساسی در راستای تعیین سرنوشت به دست خویش را احساس کنند. باید برای سامان یافتن یک حکومت جمهوری توانمند ملی بر بنیاد یک مجلس توانمند که، به مفهوم واقع امر بدون هرگونه واسطه و نظارت استصوابی، نمایندگانش برگزیده ملت باشند و بتوانند از حقوق مردم و آزادی و امنیت آنها و استقلال و یکپارچگی کشور پاسداری کنند تلاش کرد. باید با تمامی نیرو در صحنه حضور یافت و امید و نشاط و سرزندگی را به جامعه بازگردانید. بر قدرت نشستگان باید بدانند که زمان بازی دادن مردم بسر رسیده است. دیگر نه با شعار و نه با تشدید جو وحشت و سرکوب نمی توان مردم را وادار به تمکین ساخت. اینک نوبت آنان است که در برابر خواست ملت و انجام اصلاحات بنیادین سر تمکین فرود آورند، باشد که بتوانیم میهن را از گردابی سهمگین نجات بخشیم.

ملت ایران هوشیارانه پیام رسای «نه» بزرگ خود را اعلام داشت...

را رها کنند. آنان با بی پروایی برآند تا به هر وسیله ممکن سلطه خود را تثبیت کنند و در این راه ابائی ندارند. آنان از هر فرصتی که به دست می آورند برای کاستن از توان همین ساختار نیم بند جمهوری بکار می برند تا آن را به یک حکومت مذهب سالاری تمام عیار تبدیل کنند. در انجام این مقصود، با بهره جستن از اهرمهای قانونی خود ساخته، از توقیف، محکوم کردن، به زندان انداختن و از هستی ساقط کردن اشخاص، و ایجاد جو وحشت در جامعه هیچ ابائی ندارند.

و اما اصلاح طلبان، که به پشتوانه حضور چشم گیر مردم، توانستند بجای نیروهای اپوزیسیون ملی، که حاکمیت راه حضور را بر آنها سد ساخته بود، در مجلس و دولت حضور پیدا کنند، با وجود حمایت مردم نتوانستند از خود قاطعیت نشان دهند و گام به گام پا پس کشیدند. در حالی که اگر از آغاز، دست کم در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن مجلس ششم، توانمندان در جهت ایجاد دگرگونی ها در قانون اساسی در مسیر استقرار حاکمیت ملی عمل کرده بودند و کار را به همه پرسى کشانده بودند، امروز کشور را با چنین شرایط دردناک مواجه نکرده بودند. آنان باید می دانستند که با ساختار موجود، حتی اگر همه ۲۹۰ نفر نمایند در مجلس در را در اختیار می داشتند، قادر نمی بودند لایحه های دولت و طرح های خود را به تصویب برسانند. اصلاح طلبان نه تنها بر قدرت مانور شورای نگهبان و سیاسی گرایی قوه قضائیه افزودند، بلکه مجمع تشخیص مصلحت را هم به صورت یک مجلس سنای پر قدرت در بالاترین موقعیت هرم قانونگذاری کشور تثبیت کردند امروز، حساسیت اوضاع منطقه و کشور ما ایجاب می کند تا پیش از آنکه خود را با فاجعه ای جبران نشدنی مواجه ببیایم، برای برون شد از بحران،

آیین گرامیداشت یاد پیشوای نهضت ملی ایران در ۱۴ اسفند

۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۱، چون هر سال، قلعه احمدآباد میزبان گروه پرشماری از دستاران و پیروان راه مصدق بزرگ بود. حضور منسجم و گسترده نیروهای جبهه ملی ایران چشمگیر می نمود. پیر و جوان دوشادوش هم با قلبی سرشار از عشق و شور به مزار مردی گام نهادند که همه هستی اش نثار ایران بود.

دعوت نامه ای که بر سایت های اینترنتی و تابلوی اعلانات دانشگاه ها فراخوان داشت، به حضور پرشکوه جوانان میهن پرست این مرز و بوم به ویژه دانشجویان انجامیده بود. در این مراسم دکتر احدیان، سخنران نخست بود. سپس مهندس زندیان، عضو سازمان مهندسان جبهه ملی ایران، سروده ای از شادروان دکتر حمید مصدق را برای حاضران خواند، سپس جناب آقای خازنی، رییس دفتر مصدق، به بیان خاطراتی تامل برانگیز از سابقه همکاریش با پیشوای نهضت ملی ایران پرداخت. آقای ضرامی شاعر فریخته کرمانشاهی نیز غزلی را که در نای دکتر مصدق سروده بود، برای باشندگان خواند.

آقای سکاکی، از نیروهای فعال جبهه ملی ایران در چندین دهه گذشته، مدیریت برنامه را بر عهده داشت. شرکت آحاد جامعه در کنار چهره های از نیروهای ملی اپوزیسیون خارج از حاکمیت از جمله جبهه ملی ایران، جنبش مسلمانان مبارز، نهضت آزادی ایران، حزب ملت ایران، ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی و... حاکی از همدلی ملت و پیوندگان ملی گرایی بود. مراسم با سرود ای ایران، یار دستتای من و شعار درود بر مصدق به پایان رسید.

سخنان عباس امیر انتظام، عضو شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران، در نشست پایداری افشاری در دانشگاه صنعتی امیر کبیر (پلی تکنیک تهران)، در چهارشنبه ۱۴ اسفند

هستند. اتفاقاتی که می افتد نسبت به آن بی تفاوت هستند. ولی من می خواهم بگویم که نسبت به هموطنان اعتماد داشته باشید شما سازندگان آینده ایران باید به اندازه کافی در مورد وطنان مطالعه بکنید افراد خدمتگذار مملکت نان را بشناسید و به خاطر آزادی و عظمت ایران فکر بکنید و همه به هم کمک بکنید و به هم اعتماد داشته باشید و به کسانی که شرایط داخل و خارج ایران را بهتر توانستند بشناسند و راه حل هایی را که ارائه خواهند کرد صحیح تر است از آنها حمایت بکنید و باهم وحدت داشته باشید برای فردای ایران و در پایان آرزوی سلامت و توفیق شما و آرزوی آزادی و عظمت ایران و به عهده گرفتن وظایف تاریخی ایران در این شرایط هستم.

مطلب دیگری که من متهم شدم و جزو افتخارات من و فکر می کنم ملت ایران باشد، این بود که در چهارمین سفری که از سوئد طبق تقاضای خاص خود آقای مهندس بازرگان جناب نخست وزیر به ایران کردم و چند شبی که در تهران بودم به منزل دوستان دعوت می شدم و می دیدم که در این زمان شکایت و گله عظیمی از شرایط موجود است. من در جلسه حرفی نمی توانستم بزنم برای اینکه افراد باسنین مختلف و جنسیت مختلف نشسته بودند و نمی شد من جوابی از طرف دولت بدهم. از آنجا بیرون آمدم به فکر رسید که باید یک راه حل منطقی درباره این مسئله پیدا کنیم و به همین دلیل من از شورای مقاومت ملی ایران که در سال ۱۳۳۳ تشکیل شده بود و اعضایش مردان بسیار شرافتمندی بودند که تعداد کمی از آن ها زنده اند و بقیه فوت شده اند دعوت کردم در منزل یکی از دوستان خود، که بازم عضو نهضت مقاومت ملی ایران و شورای مرکزی بودند، و جلسه ای تشکیل دادیم و در آن جلسه بیست و چند نفر حضور پیدا کردند (اعضای شورا در آن زمان سی و پنج نفر بودند) و من در آنجا مسائل روز و ناراحتی و نگرانی مردم ایران را مطرح کردم. هر کدام از آقایان راه حلی را پیشنهاد کردند که من خود مخصوصاً آقایان بازرگان و دکتر سحابی را دعوت نکردم که نتایج را به اطلاع آنها برسانم، اما هیچ راه حلی مورد قبول همه قرار نگرفت. من پیشنهاد دادم که همه مشکلات به نظر من به نوع حکومت ارتباط دارد و دولت باید مجلس خبرگان را منحل کند. آقایان به اتفاق آراء این را تصویب کردند. من از ۲ نفر از افرادی که در جلسه حضور داشتند و حقوقدان بودند تقاضا کردم که این را به صورت یک لایحه قانونی در آورند. این آقایان تا صبح نشستند و این را به صورت لایحه قانونی در آوردند. صبح من آن را از آنها گرفتم و به نخست وزیر و اتاق آقای بازرگان رفتم و به ایشان گفتم که در این چند روز چه اتفاقی افتاده است و من از چه کسانی دعوت کردم و نتیجه این جلسه چه بوده و آنچه را که نوشته شده بود جلوی او گذاشتم ایشان خواندند و سرشان را روی دستشان گذاشتند در حدود یک ربع بعد سرشان را بلند کردند و گفتند من موافقم. به من گفتند به یکی از اتاق های نخست وزیر برو و این را ماشین کن و جایی برای امضا بگذار و خودت هم اکنون (۱۰ صبح) به وزارتخانه ها برو و آقایان وزرای که این نامه را می خوانند و موافقت امضا کنند و آنها که مخالفند امضا نکنند. چنین کردم و تا ساعت ۴ بعد از ظهر توانستم ۱۴ امضا جمع کنم. سپس برگشتم خدمت مهندس بازرگان و آنرا به ایشان نشان دادم. (چون دولت ۲۲ نفر بود) آقای مهندس گفتند که برای بقیه چه باید کرد؟ گفتم شما لطف کنید اینرا بگذارید روی میزتان آقایان وزرا قبل از اینکه به اتاق کابینه بروند (چون آن روز ساعت ۵ بعد از ظهر جلسه بود) و به خدمت شما برای عرض سلام می آیند و شما در این هنگام نامه را جلوشان بگذارید تا بخوانند. ۴ نفر دیگر امضا کردند، ولی ۴ نفر آن را امضا نکردند. بعد این را بردم به هیئت دولت، در آنجا چون ۱۸ وزیر امضا کرده بودند و این وزرا از امضای خودشان دفاع کرده بودند نمایندگان شورای انقلاب در هیئت دولت پیشنهاد می کنند که به احترام مرحوم آقای خمینی این نامه قبل از اینکه اعلام شود به اطلاع ایشان برسد. بنابراین، جلسه ۵ ساعت طول کشید وقتی که مهندس بازرگان از آن جلسه بیرون آمدند من را به داخل اتاق خودشان بردند و در را قفل کردند و به من گفتند که صبح از ایران برو. گفتم چرا؟ گفتند بعد برایتان می گویم و با کمال تأسف زنده شدن من و مرگ آقای بازرگان هرگز اجازه نداد که این سؤال را دوباره از ایشان بپرسم که اینکار چه دلیلی داشت. من فردا از ایران رفتم طبق دستور ایشان در هواپیما دو صفحه شرح مواقع را همان که الان خدمتتان گفتم

سلام به خواهران و برادرانم. من خوشحالم که بعد از ۲۴ سال این توفیق را داشتم که بتوانم خارج از زندان در حضور شما باشم و مطالبی را خدمتتان بگویم و اگر سوالی باشد پاسخ بدهم. به اندازه کافی از حوادث گذشته بر کشور ما در ۲۵ سال گذشته آگاهی دارید. اینکه به ناحق عده ای از افراد وطن پرست و شریف این مملکت متهم شدند و زندگی شان را از دست دادند و یا خانواده هایشان از هم پاشید و آن چه را که ملت ایران آرزو داشت و به خاطرش برپا خواسته بود متاسفانه به آن نرسید و نتایجی که بدست آمده مسائلی است که شما هر روز با آن سر و کار دارید. من این افتخار را داشتم که در ۲۴ سال گذشته به ناحق مورد اتهامات غیر واقعی قرار گرفتم و به زندان رفتم و خانواده و زندگی ام از هم متلاشی شد اما شکر خداوند که در مقابل ظلم سرخم نکردم و به هیچ وجه مطالب و اتهاماتی که به من و دولت ما دولت موقت گفته شده بود نپذیرفتم و با دلیل و منطوق رد کردم.

دیرپاترین زندانی سیاسی پس از انقلاب ضمن اشاره به پایداری افشاری در بند و ایستادگی دیگر زندانیان سیاسی در زنجیر ادامه داد:

من یک فرد ملی هستم و به خاطر ایران و ایرانیان زنده ام صرف نظر از هر عقیده و مرامی که داشته باشند اینها در این خاک به دنیا آمدند و به خاطر عقایدشان تحمل رنج و مشقت و زندان را کردند و یا جان هایشان را از دست دادند این افراد بسیار برای تاریخ ایران و برای شخص من عزیز هستند و در مقابل شان تعظیم می کنم و برای آنها درود می فرستم. من نمی خواهم از مصیبت های گذشته حرف بزنم چون ذکر مصیبت ها همیشه در کتاب ها هست و می شود خواند اما آنچه که برای من مهم است آینده ایران است و شما آینده سازان آن هستید، به هر صورت این شما هستید که آینده وطنتان را باید در اختیار داشته باشید و برای حل مشکلات این وطن چاره بیاندیشید. من قسمتی از آنچه که می خواهم بگویم این است که من به شخصه ناامید نیستم، به آینده ایران بلکه بسیار امیدوار هستم و همین امید بود که باعث شد که این ۲۴ سال را در بدترین شرایط ممکن بگذرانم. معاون و قائم مقام نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت با بر شمردن اتهاماتی که به ایشان و دولت موقت مرحوم بازرگان منسوب داشتند، اشاره نمود ما اگر هیچ توانایی و استعداد و سواد در اداره مملکت نداشتیم شرافتمند بودیم. ما وطن پرست بودیم و بیگانه پرست نبودیم و ما به خاطر بیگانگان کار نمی کردیم و زندگی نمی کردیم.

وی ضمن اشاره به شرایطی که در زندان داشت ادامه داد: با همه این شرایط که من یک نمونه اش را برایتان عرض کردم و دیگر هم نمی خواهم وارد آن بشوم و شما را ناراحت بکنم می خواهم بگویم که همه ی این شرایط نتوانست کوچکترین ناامیدی برای آینده ایران در ذهن من ایجاد کند. من به آینده ایران و به هموطنانم بسیار امیدوار هستم باید سعی بکنیم که شرایطی که در آن زندگی میکنیم چه در داخل کشورمان و چه در خارج کشورمان بشناسیم آنچه را که در طول تاریخ ۱۰۰ سال اخیر بر سرملت ما آمده و افراد بسیار خدمتگذار و صدیقی در این راه فدا شدند این بود که اکثریت توده ی ملت ایران به اندازه کافی آگاهی از حوادث و جریانات نداشتند، تابع احساساتشان گشتند و خودشان را فدا کردند، اما لحظه ای فکر نکردند که چرا چنین کردند و چرا باید چنین بکنند و در چه دوران و چه شرایطی زندگی می کنند. من تقاضایم این است که مقداری به آنچه که گذشته شما عزیزان فکر بکنید و حرفهای افراد متفاوت را بشنویید و به قضاوت بنشینید و بعد از مطالعه کافی که چه کسی درست می گوید. نه گول لباس کسی را بخورید، نه گول حرفهای کسی را بخورید، نه گول نوشته های کسی را بخورید، بلکه تمام توجه تان را برای پیدا کردن حقیقت بگذارید که حقیقت چه بوده و چرا ما به این روز رسیده ایم شما از شرایط ایران کاملاً آگاه هستید که از نظر اجتماعی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی ما در چه شرایطی زندگی می کنیم در حالی که یک کشوری هستیم که بالقوه بسیار ثروتمند و خوشبختانه مردمانی بسیار فداکار و باهوش هستیم خیلی ها نسبت به مردم ما ایراداتی دارند و در سخنان و یا در نوشته هایشان اتهام به مردم ما می زنند که دارای چه صفاتی هستند، که این صفات درست نیست اینها زائیده شرایط زمان بوده که برملت ما تحمیل شده اگر عده ای بی تفاوت شده اند نسبت به مسائل سیاسی به دلیل تجربه اشان در طول عمرشان بوده که کسانی آمدند حرفهایی زدند و اعمالی که کردند مخالف حرفهایشان بوده، بنابراین اعتماد شان را نسبت به این افراد از دست دادند یا نسبت به کارهای اجتماعی ما عده ای بی تفاوت

سخنان عباس امیر انتظام ...

نوشتن و این راه سوند بردم و در کشوری میز خود گذاشتم برای موقعی که اگر فرصتی برای نوشتن تاریخ یا شرح وقایع آن سال ها بود من این خاطرات از ذهنم نرفته باشد. شب ۱۳ آبان که به سفارت ماریختند و سفارت ایران را در استکهلم اشغال کردند من قبیلش به ایران آمده بودم و در ایران بودم (دستگیر شده بودم) این نوشته ها بدستش آمد و بنابر این این مسئله را مطرح کردند که شما می خواستید چنین کاری را با نظام بکنید، که البته من چنین قصدی نداشتم، ولی فکر می کنم که تهیه آن لایحه جزو افتخارات زندگی من و همه مردم شرافتمند ایران است که در آینده قضاوت کنند چه اتفاقی افتاد. آنچه را که من ۲۵ سال قبل با وجود اینکه ۲۵ سال از حال جوانتر بودم و جوانترین فرد کابینه بودم به ذهنم رسید امروز با کمال تأسف همه شما لمس می کنید که این حقایق به وقوع پیوسته.

وی در ادامه ضمن بر خلاف حق خواندن کلیه اتهامات خود اشاره داشت که سال ۱۳۷۴ روزنامه کیهان هوایی به مدیریت آقای عباس سلیمی نامه ای نوشت که در آنجا گفت که عباس امیر انتظام تقاضای بخشش کرده است. من نامه ای بسیار سنگین نوشتم که آن نامه جزو مدارک کمیسیون اصل نود هم هست. من در آنجا نوشتم که آقای عباس سلیمی همین عضو وزارت اطلاعات و مسئول روزنامه ی کیهان هوایی اگر کسی قرار بود تقاضای عفو بکند در همان سال های اول می کرده بود بعد از چهارده پانزده سال. بنابر این، من تقاضای عفو نکرده ام و اجازه نمی دهم هیچ شخصیت حقوقی و حقیقی من را مورد عفو قرار دهد. بلکه این منم که باید افعال افرادی که کار خلاف و برخلاف حق و منافع ملت ایران کردند ببخشم، که هرگز نخواهم بخشید و آنها را در دادگاه جنایتکاران تاریخ به محاکمه خواهم کشید.

من امیدوارم زنده باشم و بتوانم مطالبم را به اطلاع شما و همه ی مردم ایران برسانم. دولت موقت و من، مظهر شرف این مملکت بودیم و هستیم. ممکن است ما متهم به بی سوادی و عدم کفایت برای اداره کشور شویم، که آن هم درست نیست، ولی کسی نمی تواند ما را بی شرفی و وطن فروشی و خیانت و جاسوسی متهم بکند و امروز هزار ها کتاب هست. مرحوم سفیری وکیل من یک کتابچه ای درست کردند که خدمت خانم حقیقت جو و آقای دادفر در کمیسیون اصل نود فرستادند و به من گفتند که آنجا دست به دست گشته و من خود آقای انصاری را در دیدم و ایشان نهایت محبت را کردند.

وی در پایان در حالیکه به شدت تحت تأثیر ابراز عواطف و هیجان از سوی جوانان دانشجویی که سنشان به سن زندان امیر انتظام هم نمی رسید به سخنی با بغضی در گلو آنان را آینده سازان و صاحبان آینده ایران خطاب کرد و ادامه داد: در آینده نزدیک کل منطقه خاورمیانه در بحران دگرگونیهای قرار خواهد گرفت همان کسانی که کلاه بزرگی در صد سال گذشته بر سر ملت ما گذاشتند باز هم برای ما نقشه ای کشیده اند. توجه کنید و کتابها را بخوانید و به کسانی که اعتماد دارید توجه داشته باشید و حرف ها، نامه ها و مدارکشان را بشنوید و ببینید که دو مرتبه خدای ناکرده در چاه نیفتید.

نظام مالیاتی کشور باید بر هدفهای ملی منطبق شود

در کشور ما به ساختار نظام مالیاتی به نحو علمی توجه نشده و بیشتر اصلاحات انجام شده در محدوده افزایش یا کاهش نرخها بوده است.

دکتر علی رشیدی، اقتصاددان و عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران و عضو منتخب هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، با بیان این مطلب به خبرنگار بانک و بیمه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت: سهم مالیاتها در تولید ناخالص ملی ایران حدود پنج درصد و در کل درآمد دولت بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است که ۷۵ درصد درآمد دولت از منابع مختلفی اعم از درآمد نفت، استقراض، فروش اوراق مشارکت و اوراق قرضه ارزی تأمین شده یا از حساب ذخیره ارزی برداشت خواهد شد.

وی به میزان مالیاتها در بودجه سال ۸۲ اشاره کرد و گفت: در سال ۸۲، ۶۱ هزار میلیارد ریال وصول مالیاتی پیش بینی می شود که با در نظر گرفتن آن به کل درآمد دولت بودجه کشور حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد خواهد بود.

وی افزود: از مجموع ۱۷ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال مالیات بر شرکتهای هشت هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال مربوط به شرکتهای دولتی و ۹ هزار میلیارد ریال متعلق به شرکتهای غیردولتی است، مالیات بر درآمد مربوط به مردم، شامل مالیات بر مشاغل، حقوق و مستقالات، ۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال، مالیات بر ثروت سه هزار و ۱۹۰ میلیارد ریال، مالیات بر کالاها و خدمات دولتی هفت هزار و ۴۲۵ میلیارد ریال و مالیات بر واردات را ۲۳ هزار و ۸۱۰ میلیارد ریال تشکیل می دهد.

وی متکی بودن ساختار بودجه به درآمدهای نفتی، وجود اشکالات زیاد در بخش خصوصی، عوامل تاریخی و مشروعیت حکومت و اعمال نفوذ صاحبان قدرت در فرار از پرداخت مالیاتها را از جمله عوامل موثر در پایین بودن سهم مالیات در بودجه کشور ذکر کرد. دکتر رشیدی فرار مالیات را به نوع حکومت کشور مرتبط دانست و تصریح کرد: در کشورهایی که نظام آنها انتخاباتی و دموکراتیک است، دولت در مقابل مردم مسول است؛ زیرا نمایندگان مجلس وظیفه دولت را تعیین کرده و مردم هم موظف به پرداخت مخارج دولت هستند، اما در نظامهای حکومتی متمرکز، دولت خود را در قبال مردم موظف نمی داند و مردم نیز تا جایی که ممکن است از پرداخت مالیات خودداری می کنند. همانگونه که دولت در زمان رونق اقتصادی مالیات بیشتری از مردم می گیرد، باید در زمان رکود اقتصادی نیز بتواند درآمد کمتری وصول کند تا پول بیشتری در دست مردم باقی بماند.

وی درباره بیهنه سازی سیستم مالیاتی کشور اظهار داشت: با وجود درآمدهای نفتی، ۷۰ درصد مخارج دولت به طور خودکار تأمین می شده و دولت به فکر ایجاد یک نظام سالم مالیاتی نبوده است؛ بنابراین، برای تحقق این مسأله نظام مالیاتی در کشور نیازمند قوانین و تخصصهای جدید و فلسفه مدیریت اقتصادی است.

شرایط موجود فرصتی برای مانور دیپلماتیک ایران در راستای گسترش روابط با کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی است

دکتر داوود هرمیداس باوند، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت: "آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با انتقاداتی به خصوص از سوی کشورهایی که در زمره دوستانش بودند روپرو شد، به گونه ای که دوستان آمریکا و افکار عمومی نیز به ضدیت با آمریکا پرداختند."

وی با اشاره به حادثه ۱۱ سپتامبر، اعلام مبارزه با تروریسم از سوی آمریکا و حمایت های جهانی از آمریکا در این زمینه، یادآور شد: "بعد از مسأله القاعده و مبارزه با تروریسم، آمریکا مسأله حمله به عراق را مطرح کرد؛ در این مقطع تصمیم آمریکا با حمایت هایی که نتیجه ی رویداد ۱۱ سپتامبر بود؛ همراه شد، اما به تدریج با همکاری عراق با بازرسان و تمکین به قطعنامه های سازمان ملل و برخورد دوگانه ی آمریکا در موضوع مبارزه با تروریسم بین المللی موجب کاهش این حمایت ها شد."

وی با تأکید بر این که با گذشت زمان نسبت به مشروعیت اقدام نظامی احتمالی آمریکا علیه عراق، تردیدهایی ایجاد شد، تصریح کرد: "مخالقان آمریکا معتقدند حصول مقاصد مورد نظر آمریکا در خصوص خلع سلاح عراق و از بین بردن سلاح های کشتار جمعی و تاسیسات آنها از طریق غیرنظامی نیز عملی است و قطعنامه ۱۴۴۱ از تجلیات این خواست بود و هنوز هم معتقدند از طریق غیر نظامی امکان رسیدن به مقصودشان وجود دارد."

وی ابراز عقیده کرد: "آمریکا در وضع خاصی قرار گرفته که مسأله حیثیت ملی اش در گرو چگونگی برخورد با رژیم عراق است و عقب نشینی از آن شکستی بزرگ برای او و پیروزی سیاسی برای رژیم صدام حسین و موفقیت دیپلماتیک برای برخی از کشورها مانند فرانسه و آلمان یا روسیه و چین است."

این استاد دانشگاه با بیان این که جامعه بین المللی خواستار نظم متفاوتی است، گفت: جامعه بین المللی بر آن است که هر گونه اقدامی از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد و کشورها بصورت یک جانبه نقش تنظیم کننده صلح و امنیت جهانی را نداشته باشند؛ بلکه از طریق مشورت جمعی تصمیم گیری ها و اقدامات صورت گیرد."

وی با تأکید بر این که کشورهای اروپایی و منطقه اولین باری است که موضع قاطع و جدی تری در مقابل آمریکا اتخاذ کرده اند، تصریح کرد: "سابقا از لحاظ امنیتی آنها وابسته به همدیگر و زیرشاخه نظامی ناتو بودند. رویدادهای اخیر سبب شد که اروپاییان موضع گیری متفاوتی را در مقابل خواست آمریکا در پیش گیرند تا بین کشورهای عمده اروپا با آمریکا از یک سو و نوعی شکاف در درون ناتو از سوی دیگر پدیدار شد."

وی افزود: "نظام بین المللی با اقدامات یک جانبه قدرتهای بزرگ موافق نیست و مایل است که نظام بین المللی براساس ضوابط و از طریق نهادهای مشروع صورت گیرد." او در پایان شرایط موجود فعلی را فرصتی برای مانور دیپلماتیک ایران برای گسترش روابط با کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی عنوان کرد

اشاره ای بسیار نزدیک!

مسئله جهانی شدن تا پایان سده بیستم، جریان فکری رایجی بود که در راستای بوجود آوردن اقتصادی همتر از فرهنگ همگون، در خاور و باختر، با دو مفهوم ایدئولوژیکی مارکسیسم و لیبرالیسم، با تاکید بر جنبه اقتصادی آن پی ریزی می شد، که از دیدگاه فلسفی در رویارویی با هم قرار داشتند. هر کدام نظریات ویژه خود را مطرح می ساختند، بدانگونه که لیبرالیسم از آزادی و پویایی سرمایه داری و مارکسیسم از انقلاب پرولتاریا و ایجاد نظام سوسیالیستی دفاع می کرد. هر دو داعیه فرا ملیتی بودن داشتند و بدین ترتیب فرایند جهانی گرای بی صورت مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک با اشاعه تولیدات شرکت هایی چند ملیتی و بکارگیری نیروی کار مشترک انسانی در جای جای دنیا بسوی نوعی جهانی شدن رهسپار بود.

ولی با ورود به سده ۲۱ و به ویژه به علت حادثه ناگوار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۹/۱۱ نیویورک)، جهانی شدن از یک فرایند گام به گام اجتماعی بصورت (پروژه) خاص نوعی جهانی سازی، همسو با استراتژی ابر قدرت منحصر جهانی، کشورهای متحده آمریکا، شالوده ریزی می شود. در حال حاضر، ایده (تئولبرالیسم) آمریکا با شدت تلاش می کند خط مشی (انترناسیونالیستی) خود را علیرغم کلیه ایسم های دیگر در جهان رواج دهد و با هر نوع تمهید و فشار به جلو راند و همچنین بنظر می رسد که آن کشور از لحاظ موقعیت سیاسی و نظامی دارای جایگاهی است که می تواند طرح های خودش را بدون توجه به افکار عمومی بر جهان تحمیل کند، تا جایی که تلاش های اتحادیه اروپا، روسیه و چین را نیز نادیده انگاشته و خود را قدرت مطلق می انگارد.

در این شرایط لازم می آید که نقش ملی گرایان و روشنفکرانی که همواره بصورت کلان، نقد و تحلیل خود را صرفا با مهارت گفتاری و نوشتاری در قالب الگوهای دو گانه کلاسیک، در مورد نكوهش پیدادگری، سوء استفاده قدرت ها و تهدید و تجاوز زورمندان عرضه می ساختند، اینک بایستی به حوزه اقدام به عنوان روشنفکری موضع نگر در موضوعات محلی و منازعات پراکنده،

مداخله علمی نمایند و با توجه ویژه به سیاست های کلان و خارج از الگوهای کلاسیک متعصبانه مبارزات ایدئولوژیکی چپ و راست، با انتخاب راهی میانه متناسب با موقعیت و موضع جغرافیایی خود به منظور برون رفت از مشکلات، اقدام مقتضی به عمل آورند.

در این میان، سرزمین ایران نیز بگونه ای مستقیم زیر فشار تبلیغاتی و دخالت علنی و محاصره نیروهای نظامی ابر قدرت منحصر آمریکا قرار گرفته است، و تلاش هایش بمنظور ارتباط با اتحادیه اروپا، با پیش شرط هایی از قبیل رفع نواقص حقوق بشر، منع تولید سلاح و جنگ افزارهای کشتار جمعی و ماشاات با صلح خاور میانه، به تعویق افتاده است، و با درگیری در اختلافات منطقه ای و اوج نارضایتی مردمی، دچار ناکارآمدی مشهود دولت اصلاح طلب و حاکمیت تمامیت خواه گردیده است، که در صورت عدم برخورد منطقی با حوادث، با احتمال زیاد کشورمان با مداخله عملی، درگیری نظامی و لطمه به تمامیت ارضی و تغییرات جبری ناشایسته مواجه خواهد شد.

بنظر می رسد تنها چاره این باشد که آزادخواهان، طیف های روشنفکر و گروه های سیاسی ملی با گرد هم آیی و ائتلاف، بصورت اقلیتی قانونمند بدون در نظر گرفتن اختلافات نظری فردی و گروهی، اینتر گرانه راه کارهای سنجیده و تدابیر شایسته خود را بمنظور برون رفت از مشکلات روز افزون جاری به منظور حفظ منافع ملی، در اختیار میلیون ها هموطنانی که با غرور و سنجشی واقع نگرانه، آرای تحول خواهی خود را در انتخابات اخیر از عوامل و عناصر فرمایشی و در عمل ناکارآمد دریغ داشتند، قرار دهند، و به ویژه پشتیبان جوانان برومندی باشند که با سرفرازی و قامتی رسا علیرغم نارسایی ها و بازاری ها، آماده فداکاری بیشتر در ایجاد همبستگی و بهسازی کشور میباشند. باشد تا با هم صدایی همگان، تاریخ نوین ایران، سامانی جادان یابد.

خروج دفتر تحکیم وحدت از جبهه دوم خرداد

جامعه مدنی عضو جبهه دوم خرداد شد.

اما، متأسفانه، کم کم با سرد شدن فضا و دور شدن از متن اجتماع، جبهه دوم خرداد به محملی برای رسیدن به قدرت تبدیل شد و نقش جنبشی خود را از دست داد و بیشتر نقش نهاد و سازمان پیدا کرد، و با توجه به نقش روشنفکرانه و نقادانه جنبش دانشجویی، حضور در جبهه دوم خرداد نقض غرض محسوب می شود. بنابراین، در نشست امروز دفتر تحکیم وحدت مصوب شد که دفتر تحکیم از جبهه دوم خرداد خارج شود و با توجه به آرایش نیروهای اجتماعی و مطالبات و خواسته های کثونی مردم جبهه جدید اصلاحی، با عنوان "جبهه جمهوری خواهی" تشکیل شود. که قرار شد در نشست های آتی دفتر تحکیم وحدت به این موضوع به صورت مشروح پرداخته شود.

به گزارش سایت خبری انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، نشست دفتر تحکیم وحدت با عنوان "جنبش دانشجویی، پیشواز جنبش دموکراتیک" آدینه شب به کار خود پایان داد.

در این نشست، مصوب شد که دفتر تحکیم از جبهه دوم خرداد خارج شود و جبهه جدید اصلاحی به عنوان جبهه دموکراسی خواهی تشکیل دهد.

رضا دلبری، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر، در این باره به خبرنگار خبرنگار امیر کبیر گفت: جبهه دوم خرداد بر اساس جنبش و جریان عظیم اجتماعی در سال ۷۶ برای سازماندهی مطالبات مردمی شکل گرفت. با توجه به نقش مهم جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت در واقعه دوم خرداد ۷۶، دفتر تحکیم نیز برای تقویت

تحلیل چگونگی حضور مردم در انتخابات شوراها پیش از برگزاری در مصاحبه با ایرنا

دکتر پرویز ورجاوند، عضو هیئت رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران گفت: جریان محافظه کار پیش از آنکه بحث عدم شرکت متدینین را در انتخابات مطرح کند، باید تکلیف کسانی را که در انتخابات گذشته شرکت نکرده اند را مشخص کند. وی در گفتگو با خبرنگار ایرنا، مرکز استان تهران، در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۸۱، افزود: جناح راست ابتدا باید تکلیف ۱۲ میلیون نفر واجد شرایط را که در انتخابات ریاست جمهوری [گذشته شرکت نکرده اند] مشخص کند که آیا این افراد متدین بوده اند یا نه؟ تنها تاثیر اینگونه سخنان در جامعه این است که عده ای رابطه معنوی انسانها را با خداوند، بازیچه خود قرار دهند و چنین برخوردی با اعتقادات مردم نوعی تهمت به مردم است.

وی احتمال عدم استقبال عمومی از انتخابات شوراها را محدود کردن جامعه برای اظهار نظر و عدم تایید لوایح و طرح های پیشنهادی دولت و مجلس منتخب مردم برای شوراها دانست. این امر سبب شده است تا مردم تصور کنند حضورشان در صحنه انتخابات بی ثمر خواهد بود. گروه مخالف اصلاحات نیز با آگاهی از عدم استقبال عمومی از این انتخابات، با بهانه تراشی و برداشت های مغرضانه سعی دارند با این عمل آب به آسیاب خود بریزند.

وی افزود: این گروه با حاکمیتی که بر ساختار حکومتی دارند، در صدد هستند در فرصتی مناسب برداشت های خود را از کاهش مشارکت مردم کرده و عوامل اصلی آثر جناح اصلاح طلب معرفی کنند. ورجاوند با اشاره به تردید این گروه در تضمین سلامت انتخاباتی تصریح کرد: اگر همسویی هیات نظارت و شمارندگان آرا عاملی برای رد سلامت انتخاباتی است، پس باید اقرار کرد که از آغاز انقلاب تاکنون هیچ انتخابات سالمی در این کشور برگزار نشده است. زیرا جریان انتخابات و سیاست از ابتدا در دست یک جریان بوده و به تازگی جریان دوم خرداد، در این صحنه حضور یافته است.

"چراغ نوروز را برداریم و مرزهای سرزمین مان را پیدا کنیم هر جا نوروز هست، ایران همان جاست، هر جا ایران است، نوروز در آغاز بهار با همه شکوه و عظمتش خیمه برپا می کند. هنوز که هنوز است قلب مردم همه این سرزمین ها از آموه تا شمال سوریه و آن چه میان اینهاست، دوشنبه و کابل و هرات و قندهار و تاشکند و سمرقند و بخارا و تهران و اصفهان و گنجه و باکو و نخجوان و دهبکر و اهواز و سلیمانیه و کرکوک و ... با آغاز جشن های شکوهمند نوروز تپشی پگله دارد."

زنده یاد دکتر ایرج وامقی

آیین سومین سالگرد درگذشت شادروان علی اردلان

شده بود که هرکس این امکان را داشت که حرف و نظر خود را حتی در قالب واژه های تند و شرم آور بیان نماید.

سخنران بعدی آقای مهندس رحمانی از جوانان و پویندگان ملی بود که با ذکر گذشته پرافتخار کشورمان در ضدیت با برده داری، برده پروری و سیاست های آزادی گستر دوران کهن سخن گفت و سپس به بی سیاستی کاربردستان کشور در سکوت و یا دامن زدن به اختلافهای قومی و قبیله ای از دعوای پان ترکیستی و پان عربیستی و... تا شکست های سیاست خارجی کشورمان در افغانستان علیرغم سرمایه گذاری های فراوان و یا بلاتکلیف بودن سرنوشت قطعهنامه ۵۹۸ و حتی حمایت های ضمنی از رژیم صدام اشاره نمود.

دکتر پرویز ورجاوند، عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران و استاد دانشگاه، سخنران بعدی این بزرگداشت بود که سخن خود را با تقدیر از جوانان و نقش آنان در آفرینش فردای روشن آغاز کرد. وی با اشاره به اینکه آزادی خواهی و میل به مردم سالاری دو زمینه مورد تاکید تمامی سخنرانان در بیان خصوصیات شادروان اردلان بوده است، نتیجه گرفت باید معنای واژه آزادی و مردم سالاری را خوب فهمید و تحلیل کرد تا روشن شود آیا واژه مردم سالاری دینی می تواند به مفهوم درست کلمه پاسخگویی خواست ملت به تعیین سرنوشت خویش و استقرار حاکمیت ملی باشد یا نه؟

دکتر ورجاوند از عظمت فرهنگ و تمدن ایرانی که در قله های فرهنگی همچون "شاهنامه" مصداق می یابد و ملتی را گردهم می آورد یاد کرد و بر اساس این سابقه درخشان و این صفت آزادی خواهی نتیجه گرفت که دیگر یک نفر نمی تواند حکومت کند و حق انتخاب مردم را محدود کند، بلکه باید حق را به مردم واگذار کرد تا نظرشان را با رفراندیم بیان نمایند. وی ضمن انتقاد از نحوه گزینش نامزدان و برگزاری انتخابات در کشور ادامه داد: آخر مگر می شود برای انتخاب و گزینش درست در انتخاباتی چون مجلس و شوراها و... برای آشنایی مردم با برنامه های نامزدان و فرصت تبلیغات فقط یک هفته فرصت داد.

وی ادامه داد، در کشوری که دارای اقلیت های مختلف مذهبی است، چرا نباید از کرد، بلوچ و... وزیر، معاونی و... در کابینه حضور داشته باشد وی ضمن انتقاد از این نوع سیاست گذاری به این نکته اشاره نمود که اما به کسانی اجازه داده می شود تا بخشی از باشندگان را از دیگران جدا کرده و ملت بخوانند و از قطعه قطعه کردن کشور و تجزیه سخن بگویند. اینان آزادانه به تبلیغ اندیشه های خود می پردازند در حالیکه امیران نظام ها، سحابی ها و... که حرکتشان در راستای حفظ تمامیت ارضی این کشور است به زندان افکنده می شوند.

وی با اشاره به کاستی های عملکرد سیاست خارجی کشور درباره بحران دریای مازندران افزود در قرارداد ۱۹۲۱ که شرطی وحشی در آن وجود ندارد، اصل بر مشاع است و ما می توانیم بر آن پافشاری کنیم و حق این ملت را بخواهیم، اما بر سر ۲۰ درصد و حتی ۱۱ درصد چانه می زنیم. فریاد زدیم و این نکته را گفتیم که آقایان مسئولان اجازه ندهید که مادور زده شویم و لوله های نفت و گاز غیر از ایران به عنوان منطقی ترین راه از مسیر دیگری عبور کنند. ولی گوش شنوایی نبود به خاطر این که می خواستند شعار گونه رودر روی قدرتی قرار گیریم که حتی چین با رشد اقتصادی ۸ و ۹ درصدی هم در مقابل او ستیزنده عمل نمی کند و می کوشد تا منافع ملی خود را در تعامل و گفتگو حفظ کند.

به مناسبت سومین سالگرد درگذشت شادروان علی اردلان رئیس گذشته هیئت رهبری جبهه ملی ایران، آیینی با حضور شخصیت های ملی، دوستان و گروهی از علاقمندان راه و روش و منش او در روز ۸۷۱۷۱۷ برگزار شد.

در این آیین، نخست آقای ادیب برومند، رئیس شورای مرکزی جبهه ملی، خاطراتی را از مرحوم اردلان بیان داشت. وی به رفع تعدی و ظلم به حقوق مردم، از سوی اردلان در دوران تصدی مشاغل دولتی اشاره کرد و گوشه هایی از مبارزات سیاسی ایشان را در طول حیات پرمایه اش از جمله تاسیس "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت" با همکاری مرحوم مهندس بازرگان و سال های زندان و تداوم بخشی به حیات "جبهه ملی" روشن کرد. ادیب برومند در ادامه به نارسایی های موجود در بخش های مختلف قضایی و حقوقی کشور و غیر پاسخگو بودن این قوه در مقابل اعتراضات حق خواهانه مبارزان سیاسی و سایر آحاد جامعه اشاره داشت.

دوباره می سازمت وطن گر چه با خشت جان خویش - ستون به خیمه ات زخم اگر چه با استخوان خویش

این غزل بوسیله یکی از دوشیزگان شاخه جوانان دکلمه گردید. سخنران بعدی آقای مهندس نظام الدین موحد، دبیر کل حزب ایران و عضو هیات رهبری جبهه ملی ایران بودند که ضمن اشاره به نقش شادروان اردلان و روزنامه "صرصر" در دوران نهضت مقاومت ملی به نقش آفرینی او در پاکبازی جبهه ملی دوم و، پس از انقلاب، مشارکت در تشکیل "هیئت حسن نیت" جبهه ملی پس از ممنوعیت فعالیت جبهه و به زنجیر کشیده شدن به سبب این فعالیت پرداخت و ایجاد "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت" و تهیه و تدوین نامه های روشنگرانه بخصوص نامه معروف به "۹۰ امضایی" و دستگیری ها و مجازات های پس از آن که یکی از دشوارترین و سنگین ترین این مجازات ها متوجه ایشان بود اشاره کرد.

آقای بسته نگار سومین سخنران بود که روشنگری و کالبد شکافی ذهنی و عینی ساختارهای استبدادی را موضوع سخن قرار داد. بحث پیرامون نظام ارباب رعیتی و بردگی و بندگی و نفتیست عقاید نظام کلیسایی تا حرکت های آزادی خواهانه و مردم سالارانه پیشگامان نهضت مشروطیت و بعد دوران ملی شدن نفت و شخص شاخص و نقطه نورانی و درخشان تاریخ معاصر کشورمان دکتر محمد مصدق که در مخالفت با ساختار استبدادی و شکوفا کردن دموکراسی و ایجاد فضای دموکراتیک فصلی یگانه را گشود، بخشی از سخنان آقای بسته نگار را تشکیل می داد. ایشان با اشاره به تلاش هایی که از سوی شادروان اردلان در چند دهه حضورش در عرصه سیاست کشور به تاسی از پیشوای نهضت ملی نقش آن مرد مبارز را بررسی کرد.

سپس دکتر بهروز برومند، عضو هیئت رهبری حزب ملت ایران، به سخن پرداخت. ایشان شادروان اردلان را آزادی خواهی پیگیر دانست که مبارزه در راه آزادی و مردم سالاری با جانش سرشته بود و نه مبارزی یک شبه و احساسی. وی سخنان خود را این گونه ادامه داد: و اصولاً مگر می شود کسی آزادی خواه باشد و طریقت خود وی آزادی نباشد؟ غیر ممکن است. همان قاعده ای که در شهید داریوش فروهر نیز به نحو کامل ظهور و بروز داشت و اصولاً مگر غیر از آن هم می تواند باشد. برای پویندگان مکتب دکتر محمد مصدق که مرزهای آزادی در روزگار مسئولیت وی آن چنان وسیع و انسانی

آظهار و نکته ها

مصلحت ایجاب کند حاضرم ریش خود را نیز اصلاح کنم" که این گفته نشان می دهد که سنت گراترین گروهها نیز دریافته اند، اصلاحات واقعی باید از کجا آغاز شود.

ملت های به گروگان گرفته شده

حکومت خانوادگی صدام در کشور عراق، که بسیاری از کارشناسان سیاسی دوران آن را پایان یافته و منقرض شده می دانند، و اینکه صدام در طول ربع قرن سلطه بلامنازع بر عراق، اجازه بروز و ظهور هیچ صدای مخالفی را در این کشور نداد و طبعاً هیچ نیروی اپوزیسیون و جایگزینی در این کشور شکل نگرفت. باعث شد تا آمریکا به انتصاب یک فرماندار آمریکایی بر این کشور دیکتاتوری زده بیندیشد و حتی آنرا علنی کند. از سوی دیگر، در ماه گذشته صدام در یک رفتارندم فرمایشی ویژه این گونه کشورها، که در آن صد در صد حائزین شرایط رای دادن شرکت کردند و همگی هم به اتفاق به ادامه حکومت صدام رای مثبت دادند و بعضی هم برای محکم کاری با سوزن انگشت خود را خون آلود کردند و با آن روی کلمه "نعم" یا آری با خون خود انگشت زدند!! در دنیا اصطلاح تازه ای شایع شده که جورج بوش رئیس جمهور آمریکا هم در نطق سالپایانه خود، آنرا بکار برد: اصطلاح "ملت های به گروگان گرفته شده".

رفتارندم صد در صدی در کشوری چون عراق هم، مشابه تومار گروگانهای یک هواپیما به نفع گروگان گیران است. شیوع این اصطلاح می تواند فصل جدیدی در روابط بین المللی بگشاید، که ارزش انتخابات و رای گیری در کشورها موکول و مشروط به آزادی بیان و فعالیت اپوزیسیون و مخالفین حکومت باشد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرجع اصلی قانون گذاری!!

از زمانی که مجمع تشخیص مصلحت نظام (نه مصلحت ملی یا مصلحت کشور) برای رفع و حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان شکل گرفت و اعضای آن منصوب گردیدند، تا اینکه بعداً در بازنگری قانون اساسی، در قانون اساسی تغییر یافته جایگاهی پیدا کرد، مدت زیادی طول نکشید که این مجمع انتصابی بصورت نهاد اصلی قانون گذاری در کشور درآمد. به گونه ای قوانین مصوبه مجلس که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته و اصلاح نشده بود، در این مجمع مورد بازنگری (ونه قضاوت بین آن دو نهاد) قرار می گرفت و بصورت سومی تغییر یافته و بدولت ابلاغ می گردید. که این امر مورد اعتراض مجلسیان اصلاح طلب قرار گرفت، که البته اعتراض آنها تاثیری نداشت.

افزون بر این، مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان تعیین سیاستهای کلی نظام بصورت اختصاصی اقدام به تدوین قوانین و ابلاغ آن به دولت نمود، که اعتراضها در این مورد هم بجایی نرسید.

اکنون مجلس اصلاحات در شرایطی قرار گرفته است که خود دست به دامان این مجمع برای ادامه روشی که قبلاً بدان اعتراض می کرده شده، تا بلکه به لطف آن گره کور بن بست اصلاحات گشوده شود! اظهارات نمایندگان همگی حاکی از آن داشت که اصلاح طلبان از تلاشهای خود ناامید شده و اکنون به مجمع تشخیص مصلحت نظام، بعنوان مرجع اصلی و مقتدر قانون گذاری در کشور چشم دوخته اند، غافل از اینکه ترکیب مجمع مزبور به گونه ای نیست که جز در شرایط اضطراری، بتوان از آن امید ایجاد تغییری اساسی بسود حق حاکمیت ملی و حفظ منافع اساسی کشور داشت.

بازگردای عید از زندان که ما را عید نیست

در آستانه نوروز، بهار آفرینان آزادی اندیشه و بیان را به یاد داشته باشیم آنان که به تاوان استبداد ستیزی اکنون به بند و زندان گرفتارند دانشجویانی پاکباخته چون احمد باطنی و علی افشاری، حقوقدانانی شریف و حق جو و عدالت خواه چون دکتر ناصر زرافشان و دکتر محمد علی دادخواه، روحانی آزاده و اندیشمندی چون حسن یوسفی اشکوری، هم میهن وطن پرست خسرو کردپور، استادانی فرهیخته چون دکتر هاشم آقاجری؛ روزنامه نگار شجاعی چون اکبر گنجی و نیز قاسم شعله سعدی و فرشته علیزاده، دانشجوی مفقود دانشگاه الزهرا پس از فاجعه ۱۸ تیر ماه و...، پادشان پویا و نامیرا باد.

شیر هم شیر بود گرچه به زنجیر بود
نبرد بندو قلاده شرف شیر زیان را

نشست ماهانه شورای مرکزی جبهه ملی ایران

نشست ماهانه شورای مرکزی جبهه ملی ایران در روز شنبه ۲۴ اسفند ماه به ریاست جناب آقای ادیب برومند تشکیل شد و درباره فعالیت سازمانهای ۱۶ گانه جبهه و حزبهای وابسته در شرایط کنونی بحث و بررسی شد.

آیین سالگرد در گذشت شادروان محمد علی سفری

یکسال از درگذشت روزنامه نگار پیر و وکیل سخت کوش زندانیان سیاسی گذشت. این سرباز پیر تا آخرین روزهای زندگی، با چهره باز و لب خندان و سخن گرم، جوانان دریند را نور امید بود. رایگان و کالت دانشجویان زندانی را می پذیرفت و هزینه دادرسی را خود می پرداخت. تاریخ نویسی که پای در راه مصدق بزرگ نهاد و در کنار فاطمی قلم راند، اینک خود برگی از تاریخ نهضت ملی است. آرام بود و بی هیاهو....

آرام و بی هیاهو، چند تن از یاران دیرین و گروهی جوانان، بسیار صندلی های خالی خانقاه صفی علیشاه را می شمارند. اندک اندک چند تن دیگر نیز وارد می شوند. جنب و جوش فروهر در کنار در نیست، از خنده های خیاط زاده هم نگاهی شاد نمی شود..... از گروه روزنامه نگاران اصلاح طلب و هیات مدیره کانون و کلا نشانی نمی یابیم.

گرچه پیشتر با گرداندگان خانقاه توافقی دست داده بود، اما اینک حتی خواندن زندگی نامه او را هم برناتفتند. و سخنرانی که بیراه سخن راند اعتراض شنوندگان را برانگیخت.

اصلاح ریش مقدمه اصلاحات!

انتخاب نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، با حضور و فعالیت جمعی از بازرگانان و صاحبان و مدیران صنایع، که در طول دو دهه گذشته (مثل خیلی از صاحب نظران دیگر) به حاشیه رانده شده بودند، امسال به نتایج دیگری انجامید و چهره های جدیدی از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی ملی گرا به گروه نمایندگان اتاق بازرگانی پیوستند.

اگر گروههای قدیمی و صاحب خانه های خود خوانده اتاق تغییرات اتاق بازرگانی را نیز به سرنوشت اصلاحات سیاسی دچار نکنند و قوه قضائیه به یاری انتخاب نشدگان و یا اقلیت منتخب سنتی نشتابد، تا دوباره کارها را در قبضه قدرت خود بگیرند، می توان امیدوار به تغییرات مثبتی در اتاق بازرگانی بود. نکته امیدوار کننده اینکه بنا به نوشته روزنامه تازه انتشار یافته یاسن نو، علینقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی در ۲۳ سال گذشته گفته است که "اگر

طبیان سیاست

**بس درد که در جای شفا آوردند
دیدي که چه ها بر سر ما آوردند**

ادیب برومند

**آنان که برای ما دوا آوردند
این نوچه طبیان سیاست به غرور**

لویی ژوانه: فلسفه ی وجودی دادگاه روحانیت روشن نیست

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران وی در کنفرانس مطبوعاتی همراه با معاون خود به تشریح پیشرفت ها و نگرانی های خود درباره ی وضعیت بازداشت های خودسرانه پرداخت.

وی با اعلام خبر احیای دوباره ی دادرسی از اصلاح سیستم دادرسی به عنوان دومین پیشرفت نام برد و یادآور شد: بنا به گفته ی رییس دادگستری تهران، از بین بردن دادرسی ها هفت سال پیش یک اشتباه بود و تأثیرات نامطلوبی در اجرای عدالت داشت. قاضی تا کنون نقش قاضی، بازپرس، دادستان و قاضی محکوم کننده را بازی می کرد و این یک تخلف دادرسی منصفانه است.

به گفته ی وی مشکل آزادی انتخاب وکیل در رابطه با زندانیان سیاسی بیشتر است و اغلب وکلا اگر بخواهند دفاع کنند، باید دفاع خود را در زندان به پایان رسانند.

وی تعبیر و تفسیر نامطلوب متون حقوقی که روحیه ی پشتیبانی وکلا را تضعیف می کند، نگرانی دیگری برشمرد و گفت: متوجه شدیم وکیل در حین دفاع زندانی شده و به دلیل اعتراض به آزار دادن موکل خود یا انتقاد از سیستم قضایی مورد پیگرد کیفری قرار گرفته است؛ در حالی که در بسیاری از کشورها به موجب قوانین موجود، تصمیم گیری در مورد وکلا و تهیه آن ها مربوط به دادگاه انضباطی وکلاست نه هر قاضی دیگری، اما درباره ی دادگاه انقلاب، تمایز سخت گیرانه ای وجود دارد.

به گفته ی وی در ایران، برخی قضات نمی گذارند وکیل در دادرسی و حتی در مراحل اولیه ی دادرسی حضور داشته باشد.

ژوانه فلسفه ی وجودی دادگاه ویژه روحانیت را غیر روشن عنوان کرد و اظهار داشت: بنا بر اطلاعات معاون رییس دادگستری، ۹۲ درصد دعوی که در دادگاه انقلاب مطرح می شود مربوط به خطاهای عمومی است که می تواند هر دادگاه عادی به آن رسیدگی کند و بنابراین اصل ۲۰ قانون اساسی، همه ی مردم در مقابل قانون باید یکسان باشند.

وی درباره ی دادگاه های نظامی نیز به نگرانی مشابه دادگاه ویژه ی روحانیت اشاره کرد و رسیدگی به جرایم عادی نظامیان و حتی وکلای آن ها در دادگاه نظامی را نوعی عدول از تفسیر و تعبیر قانون برشمرد.

ژوانه آخرین نگرانی را درباره ی دستگیری های ناروا دانست و به دلیل ترجمه نشدن مواد قانونی، قضاوت در این باره را به آینده موکول کرد.

رییس هیات گزارشگران بازداشت های خودسرانه به استفاده ی وسیع از زندان های انفرادی، آن را "زندان در زندان" عنوان کرد و گفت: "این نخستین باری است که گروه ما با چنین تعدادی در این سطح وسیع روبرو می شود."

وی هم چنین به نگرانی هیات مذکور درباره ی آزادی بیان اشاره و با تأکید بر مساله ی آزادی بیان و آزادی پس از بیان تصریح کرد: "امیدواریم که این وضعیت بهبود یابد. حق آزادی بیان برای کسانی که به صورت صلح آمیز بدون خشونت، دعوت به خشونت و نفرت نژادی کار خود را به موجب ضمانتی که در منشور سازمان ملل هست، انجام می دهند؛ محفوظ است و دستگیری آن ها ناروا تلقی می شود. ایران این معاهده را تأیید کرده، اما کسانی که دستگیر شده اند در این طبقه از افراد هستند."

وی با تأکید بر سه اصل بی طرفی، آزادی و استقلال قضات و هم چنین اصل تناسب مجازات با جرم، وجود تناقض هایی در این باره را موجب نگرانی دانست و گفت: "این موضوع تنها مربوط به ایران نیست."

وی در پاسخ به پرسشهای خبرنگاران درباره ی تجمع خانواده های زندانیان در برابر هتل لاله و دستگیری برخی از آن ها اعلام کرد: "در زمان تجمع آن افراد، هیئت در تهران نبوده و در شیراز به سر می برده است و برای آزادی دستگیر شدگان نیز تلاش هایی کرده که اکثر آزاد شده اند، از جمله برای آزادی آن ها با یکی از مقامات عالی رتبه ی قضایی دیدار کردیم؛ که به ما اطمینان داد دستگیر شدگان آزاد شوند."

وی در باره حکم آقاجری و شایعانی درباره ی نوع برخورد با عزت الله سعیدی اعلام کرد که این موارد در ماموریت هیئت مذکور نمی گنجد.

لیلا زورقی معاون هیئت گزارشگران بازداشت های خودسرانه نیز مسوولیت هیئت مذکور را تنها درخصوص دستگیری های ناروا و نه نوع محکومیت ها دانست و تأکید کرد: "ما درباره ی تمام جنبه های دستگیری با زندانیان بحث کردیم و مساله ی عدم تناسب جرم با حکم را مدنظر قرار دادیم."

شیوه انتخاب صنعت و ضرورت توجه به تقسیم کار بین المللی

گرایش ناموفق به سوی خودکفائی اقتصادی و صنعتی همه سویه بازناب طبیعی کشورهایی است که در شرایط انزوای سیاسی و بین المللی بسر میبرند. ایران نیز طی دو دهه گذشته این فرایند را با تمامی هزینه هایش طی کرد و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که برای همیشه نمی توان با دنیا قهر کرد. ولی اکنون که به اصل خرد جمعی و لازم رسیده ایم باید توجه کنیم که در جهان کنونی سیاست جایگزین کردن واردات به کمک تولیدات داخلی تنها به این دلیل که حالت رقابتی ندارد هرگز موفقیتی به بار نمی آورد. هر کشوری که به نیازهای صنعتی دنیا توجه کرده و بهترین کارکرد خود را محور قرار دهد، طبعا به بهترین نتایج ممکن میرسد، زیرا هر کشوری در بخش های معینی از مزیت اقتصادی برخوردار است و همواره پرثمرترین فعالیت هر کشور فعلیتی است که با منابع و عوامل موجود در آن کشور همخوانی داشته باشد. تقلا کردن برای تولید کالاهایی که کشورهای دیگر بهتر تولید می کنند، فقط باعث می شود که نهایتا سطح آسایش و رفاه عمومی به دلیل هزینه های هدر رفته و کم بازده افت نماید. داشتن جایگاه در نظام تقسیم کار بین المللی فقط بخاطر کسب سود بیشتر نیست، بلکه تسهیل دستیابی به اهداف اجتماعی و رفاهی بصورت فراگیر نیز می باشد.

می دانیم هنوز اتومبیل سوئیس به بازار نیامده، اما از دیرباز ساعت سوئیس بازارهای جهان را به خود اختصاص داده است. ما نیروی کار و سرمایه و تولید خود را با پرداختن به اموری که توان رقابت با دیگران را نداریم سالهاست که داتما تلف می کنیم.

البته این نقد بدان معنا نیست که ما در هیچ زمینه صنعتی توان رشد و ترقی نداریم، برعکس به گمان نگارنده، ایران در صنایع گاز و نفت تاکنون موفق بوده و حق بود بجای اتومبیل سازی و با به موازات آن به گسترش پالایشگاهها همت می داشتیم که لااقل بنزینمان را از خارج وارد نکنیم و برای بازارهای همسایه که بطور کاملا طبیعی به مواد سوختی ایران توجه دارند این نیازشان را قاچاق مواد نفتی تلقی نمی کردیم.

فن آوری اطلاعات و بهره برداری از انرژیهای نو و احیا شدنی نیز بدلائلی چند از جمله تازه بودن و ضرورت عقب نماندن ایران از این قافله، ارزش خطر کردن و آزمودن و توجه و حمایت بی دریغ دست اندرکاران را دارد که خوشبختانه آقای رئیس جمهور در جلسه روسای دانشگاهها و در پاسخ به نامه پژوهشگران حوزه بر این دو موضوع مهم و نیاز اساسی کشور تأکید ورزیدند.

نشریه داخلی

پيام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

در شماره پیشین به علت غلط چاپی شعر آقای ادیب برومند با اشکال چاپ شده بود که درست آن به صورت زیر تقدیم می گردد.

**کما سباب رفاه ماست آماده به جنگ
کان بوده اساس این در خشان فرهنگ**

**نیک است تمام اختراعات فرنگ
تنها ز دموکراسی او بیزاریم**

**حماسه ملی بیست و نهم اسپند ماه، تولد دوباره غرور ملی ایرانی، بر ملت
زیر ستم اما سربلند و استوار ایران، خجسته باد**